

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص

حماسه واقعی ملت ایران

## چرایی پیروزی ملت ایران و چگونگی حفظ آن

### بیان مسئله:

رهبر معظم انقلاب در تحلیل انتخابات خرداد ۱۴۰۰ به بیان تعبیری پرداختند که نه تنها از سوی تحلیل گران سیاسی داخل و خارج کشور قرار نگرفته بود و بلکه ممکن است برای عده ای محل سوال نیز واقع شود.

معظم له فرمودند: انتخابات حقاً و انصافاً یک حماسه بود. به معنای واقعی کلمه حماسه بود. عده ای می خواهند عظمت انتخابات را انکار کنند. تحلیل گرانی که چشم شان به این انتخابات بود می فهمند چه اتفاق افتاده است؟ در کجای دنیا سراغ دارید که صدها و هزاران شبکه برای دور کردن مردم از انتخابات فعالیت کنند. بهانه هایی هم داشتند مثل کرونا و نحوه احراز صلاحیت ها. امیدشان این بود که مشارکت حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد باشد. با این وجود مردم ایران می آیند و صف می بندند. مردم ایستادند و مشت محکمی زدند. این واقعا حماسه است. برنده انتخابات همه کسانی

هستند که در شور انتخابات دمیدند. برنده اصلی ملت ایران است و بازنده هم کسانی هستند که همه تلاش شان طرد مردم بود. این حضور مردم خیلی با ارزش است و حماسه حضور مردم را نباید نادیده گرفت. عده ای روی آراء باطله تحلیل غلط می کنند در حالیکه این کسی که رای سفید می اندازد یعنی به صندوق رای به نظام امید دارد. یک چیزهایی هم عبرت شد و باید برای ملت ایران تجربه باشد.

مهمترین پرسشی که در این رابطه مطرح می باشد این است که چرا در تحلیل هایی که از انتخابات ارائه شده کمتر از تعبیری چون حماسه استفاده شده است. در حالیکه ایشان چندین بار از این واژه آنها با پسوندهایی چون حقا و انصافا و واقعی نام بردند. حتی ممکن است هنوز عده ای این عبارت را از باب مجامله و یا بزرگنمایی دانسته و برای شان سوال باشد که چرا انتخابات به رغم مشارکت زیر ۵۰ درصد یک حماسه واقعی خوانده می شود؟ چرا گفته می شود ملت ایران پیروز شده است؟ ایرانی ها در چه جنگی پیروز شده اند؟ دشمن که بوده و چه برنامه ای داشته است؟ چرا عده ای باید به دنبال انکار عظمت پیروزی ملت ایران باشند؟ اینها چه کسانی هستند و چه اهدافی دارند؟

معظم له برای روشن شدن این پاسخ فرمودند: تحلیل گران می دانند که چه اتفاقی رخ داده است. یعنی این پرسش ها برای کسانی مطرح می شود که نمی دانند چه اتفاقی رخ داده است. لذا از منظر رهبر معظم انقلاب عدم درک حماسه، پیروزی، انکار عظمت و... به خاطر این است که نمی فهمند چه اتفاقی افتاده است؟

پس در درجه نخست باید روشن شود که چه اتفاقی رخ داده است؟ یعنی لازمست در خصوص ابعاد و ژرفای این رویداد مهم تحلیل های لازم صورت گیرد و یک فهم

دقیق و مشترک پیرامون آن پیدا شود تا ضمن ارائه پاسخ و جلوگیری از شبهات فوق، نسبت به وضعیت کنونی که در آن قرار داریم آگاهی لازم بدست آمده و وظایف ملی و قانونی آحاد ملت بویژه نیروهای انقلابی روشن گردد.

بنابراین اگر سوال اصلی این نوشتار چیستی اتفاقی است که افتاده است، مسئله اساسی آن به چگونگی حفظ پیروزی ملت ایران و وظایف نیروهای انقلابی در شرایط کنونی باز می گردد که تلاش شده تا به پاسخ آن در قالب فرصت ها و چالش های پیش روی کشور ارائه شود:

### در انتخابات ۱۴۰۰ چه اتفاقی رخ داده است؟

به منظور فهم درست از اصل ماجرا و ابعاد و اعماق انتخابات ۱۴۰۰ لازم به نظر می رسد تا این رویداد بزرگ را حداقل از سه زاویه مورد بررسی و واکاوی قرار داد:

#### الف) منظر ایدئولوژیک و معرفتی

انتخابات ۱۴۰۰ از این منظر چیزی شبیه «معجزه» بود و هر رای آن را خدای سبحان به مانند هر قطره بارش رحمت خویش که بدست فرشته ای نازل ساخت. «و ما تسقط من ورقه الا يعلمها و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین»، هادی قادر متعال با هدایت دلهای ایرانیان این آراء را روانه صندوق های رای کرد تا نعمت هایش را شامل حال مردم ایران فرماید. این مدد الهی در استجابت دعاهاى خالصانه ای بود که از درگاه ایزد منان درخواست داشت: «خدا دلهای ما را هدایت به سوی آنچه خیر ما در آنست هدایت فرما.»

پیامی روشنی که در پرتو این نگاه نورانی ساطع می شود، این است که اراده الهی بر بقاء و استمرار انقلاب اسلامی تعلق گرفته و اوست که می خواهد این انقلاب به مسیر خود ادامه دهد. چراکه خدای سبحان برنامه ها و طرح هایی از دشمنان اسلام برای براندازی نظام اسلامی را خنثی کرد که شاید بسیاری از مردم و حتی نخبگان و دستگاه های متولی حفظ انقلاب از ابعاد و پیامدهای آن خبر نداشتند.

## ب) منظر سیاسی

از منظر سیاسی انتخابات ۱۴۰۰ را می توان «انقلاب سوم» مردم ایران نامید. در انقلاب اول نماد وابستگی همه جانبه به غرب و آمریکا یعنی دولت دست نشانده مورد هدف مردم ایران قرار گرفت و در نتیجه یک قیام عمومی و نهضت اسلامی این اتفاق افتاد.

در انقلاب دوم اما جهت حرکت و اقدام نخبگی، متوجه کانون و نهادی بود که وابسته سازی را نهادینه می کرد. جایی که خود آمریکای ها سازوکار وابستگی در کشور را برنامه ریزی می کردند و نمی خواستند قیام علیه نماد استکبار متوجه خود آمریکا شود.

انقلاب سوم علیه تفکر ضد استقلالی وابسته به غرب در ایران بود که دشمنان ایران و اسلام دویست سال روی آن سرمایه گذاری کرده بودند. انتخابات ۱۴۰۰ آغاز افول اندیشه غربگرایی است که در صورت کارآمدی تفکر «ما می توانیم» پایان آن را رقم خواهد زد.

با این نگاه انتخابات ۱۴۰۰ محل منازعه و جدال تفکر «ما می توانیم و ما نمی توانیم» بود که به صورت آشکار در تمام مراحل انتخابات ادامه داشت و در جریان مناظره ها به وضوح نمایان بود. تفکر ما نمی توانیم که در انتخابات قبل با استقبال عمومی مواجه

شده بود، در سایه تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی در هدایت مذاکرات هسته ای و اثبات بدعهدی آمریکا با شکست سنگینی روبرو شد.

لازم به ذکر اینکه یک تفکر در برخی از نیروهای انقلاب از ابتدای پیروزی انقلاب وجود داشت که عده ای معتقد بودند استقلال سیاسی در سایه وابستگی اقتصادی و تعامل با غرب هم ممکن است. نگاهی که معتقد بود می توان گندم آمریکا خورد و در عین حال مرگ بر آمریکا هم گفت. اما زمان بطلان این تفکر را نشان داد به گونه ای که صاحبان اصلی این دیدگاه پس از مدتی خواستار کنار گذاشتن این شعار در کشور شدند.

### ج) منظر جریان شناسی سیاسی

به لحاظ جریان شناختی انتخابات ۱۴۰۰ را باید حقیقاً یک «نقطه عطف» در انقلاب اسلامی محسوب کرد به گونه ای تاریخ انقلاب اسلامی را به دو مقطع تقسیم کرد. مقطع پیش از انتخابات ۱۴۰۰ که علی الظاهر دو جناح سیاسی در کشور تحت عنوان چپ و راست مذهبی آغاز به کار کردند و دوقطبی اصلاحات و اصولگرا و بعد هم جریان اعتدال توانست به فرض نه این و نه آن خود را به کشور تحمیل کنند و بدون داشتن هیچ آورده ای، مسائل بسیاری را برای نظام و مردم ایجاد کنند که مهمترین آنها قرار گرفتن معاندان نظام پشت سر آنها بود.

انتخابات آخر خرداد امسال از این نگاه چیزی شبیه «فتح خرمشهر» در اول خرداد ۶۱ بود. فتح خرمشهر تاریخ دفاع مقدس را به دو مقطع تقسیم کرد. دو سالی که همه پیروز جنگ را ارتش بعث می دانستند و شش سالی که تعیین کننده سرنوشت جنگ ملت ایران بود.

پیروزی بزرگ ملت ایران در انتخابات ۱۴۰۰ تنها غلبه بر جناح سیاسی مرسوم و اعلام پایان کار آنها نبود، آنچه در سایه این حماسه بزرگ رخ داد کنار زدن ابرجریان هایی سیاسی بودند که در پشت صحنه جریان های سیاسی را حمایت تبلیغی و مالی کرده و به آنها جهت می دادند. ابرجریان هایی که در این انتخابات به دلیل انتخاب گزینه تحریم حتی به نمایندگان حزبی خود اجازه ورود به عرصه رقابت ها را ندادند. برخی از ابرجریان هایی که در این انتخابات شکست خوردند، جریان لیبرال - سکولاری بود که حتی برای وضع تحریم علیه ایران نامه نگاری می کرد. ابرجریان هایی به نام رسانه های غربی، فضای مجازی، جریان سرمایه، ملی - مذهبی ها، التقاطیون چپگرا و راستگرا، تجزیه طلبان، قومیت گرایان، اپوزیسیون خارج کشور، جبهه مقاومت، مشروطه خواهان، سلطنت طلب ها، جمهوری خواهان، آنارشویست ها و ... که در انتخابات های قبلی یک طرف ماجرا بودند و در انتخاب مردم ایران دخالت می کردند، جملگی در این انتخابات بر طبل تحریم کوبیده و شکست سهمگینی خوردند.

## پیروزی های ملت ایران

برای پاسخ به این سوال که چرا ملت ایران برنده این انتخابات بود و یا به عبارت بهتر، مردم ایران چه پیروزی هایی کسب کردند، لازم است تا به برنامه ها و اهداف جریان تحریم انتخابات اشاره کنیم تا روشن شود که دشمنان انقلاب اسلامی چه اهداف و برنامه هایی را در سایه مشارکت پایین مردم طراحی کرده بودند. در این رابطه به چهار برنامه و هدف مشترک جریان تحریم اشاره می شود:

## الف) پیروزی بر جریان تحریم اقتصادی

جریان تحریم اقتصادی که هدفش تعمیم کاهش مشارکت به کاهش مشروعیت نظام بود، به دنبال اثبات این ادعای خویش بود که تحریم های فلج کننده توانسته است پشتوانه مردمی نظام اسلامی را گرفته و با بحران مشروعیت مواجه سازد. اما ملت مسلمان ایران با حضور خود نشان داد؛ درحالی که زانوی فشار تحریم های غرب را بر گلوی آنها به اندازه ای است که راه های تنفسی آنها را دچار مشکل کرده است و روی همه ابعاد زندگی و معیشتی آنها تاثیر گذاشته اما روی بصیرت و ایمان ها اثری نداشته است.

## ب) پیروزی بر جریان براندازی سیاسی - قانونی

یکی از اهداف غرب در کنترل و مهار انقلاب ملت ایران، هدایت و انحصار رهبری آن بود چنانچه رئیس سازمان سیا در بحبوه انقلاب گفته بود که هنر ما باید این باشد که بتوانیم آدم ها لیبرال در راس این رهبری قرار دهیم. لذا تا بازرگان و بنی صدر حضور داشتند امید به مصادره رهبری داشتند اما با عزل بنی صدر و خروج لیبرال ها و منافقین امیدشان از دست و رفت و تنها راه نفوذ خود را تاثیرگذاری بر انتخابات از طریق یکی از گروه های داخل کشور تعریف کردند. لذا در سال ۶۱ که دو موسسه با هدف بی ثبات سازی سیاسی تاسیس کردند، دو نشریه را همزمان در ایران ایجاد کردند و آن را در اختیار دو جریان موازی از نظر خودشان قرار دادند. یکی نگاه نو مرکزی برای تجمع روشنفکران و دوم کیان، پاتوقی برای فعالان سیاسی و اعلام کردند و همه مخالفان لائیک و سکولار را تحت عنوان تحریریه فراخوان کردند. چیزی که مسیر این ها را تسهیل کرد پیدایش دو جناح سیاسی چپ و راست مذهبی

در میان گروه‌های انقلاب بود و آن توانستند نیروهای چپ گرای جوانی که عمدتاً در مراکز حساس و اطلاعاتی مشغول خدمت بودند را جذب کرده و پس از تعلیم در حلقه کیان برای پیروزی در رقابت‌های انتخاباتی آمده‌کنند. ماموریت این افراد فقط اعلام اصلاحات مصادره این جریان نبود. این گروه ماموریت داشت در دوره ای کوتاه حاکمیت دوگانه در ایران را اعلام و با رساندن کشور به انسداد سیاسی میدان رقابت را از نظام میدان بگیرند.

تمرکز دشمن این بود که با سوار شدن بر جمهوریت به تقابل با اسلامیت پر اخته و مانع تحقق الگوی جمهوری اسلامی شوند و سازوکار رقابت را از دست نظام خارج کنند. چراکه از منظر آنها رفتن مردم پای صندوق رای تأیید نظام اسلامی بود و آنها باید کاری می‌کردند تا دنیا تصور نکند جمهوری اسلامی در یک مسیر دمکراتیک بقای خود را تضمین می‌کند.

البته این هدف آنها به سادگی محقق نشد و کسی مثل رئیس دولت اصلاحات هم حاضر نشد در زمین آنها قرار گرفته و از کاندیداتوری مجدد سرباز زند. لذا به سمت تحصن، استعفای دسته جمعی، تاخیر در انتخابات و طرح بحث تقلب جهت یک کودتای رنگی به رنگ سبز رفتند.

همه راههای آنها به بن بست رسید و جدال تحریمی با قدرت طلبان اصلاحات بالا گرفت اما قدرت طلبان حتی حاضر به استفاده از رحم اجاره شدند که البته مولود آن وزنه تحریمی‌ها را سنگین کرد و برای اولین در انتخابات مجلس یازدهم موفق به تحریم انتخابات شدند.



آنها بر این گمان بودند که با تحریم اصلاحات بازی رقابت درون نظام به هم خورده و کاهش رای سبب امتیاز دادن نظام خواهد شد که در دو نامه مطرح شد اما نظام امتیاز نداد و آنها در این انتخابات هم به تحریم رسیدند.

بدین ترتیب بازی این جریان هم تکمیل برنامه جریان تحریم بیرونی است. روش این ها سیاسی و بن بست انسداد سیاسی است تا نشان دهند که نظام اسلامی از جمهوریت بی بهره است.

### ج) پیروزی بر براندازان ضد ارزشی

از منظر نظریه پردازان پست مدرن غرب، یکی از راه های براندازی نظام های ایدئولوژیک اثبات ناتوانی در عدم دفاع از ارزشهای سیستمی می باشد. تلاش های غرب در جنگ نرم برای ترویج فرهنگ بی بندوباری و اباحه گری در همین راستا قابل ارزیابی می باشد. بسیاری از کارشناسان غربی بر این گمان بودند که اقدامات و برنامه های آن در فاصله انداختن میان مردم بویژه جوانان با ارزشهای اسلامی و انقلابی نتیجه داده و توانسته اند با استفاده از رسانه های نوین و شبکه های اجتماعی به مدیریت فکری و ذهنی آنها پردازند. غربی ها درصدد بودند تا کاهش رای و عدم حضور مردم در پای صندوق های را دلیلی مستند بر ادعای خویش قلمداد کنند. اما حضور حماسی مردم نشان دادند که هنوز پای انقلاب اسلامی ایستاده و حتی برخلاف توصیه ها آنها در تحریم انتخابات عمل می کنند. با این حضور حماسی روشن شد نظام اسلامی مصداق سیستم هایی که نتوانند از ارزشهای سیستمی خود دفاع کنند نیست.

### د) پیروزی بر جریان ناکارآمد ساز نظام

در سال ۱۹۲۷ میلادی عملیاتی تحت عنوان psb در آمریکا تصویب شد که به موجب آن فروپاشی نظام های ایدئولوژیک در دستور کار سرویس های اطلاعاتی

غرب قرار گرفت تا زمینه بسط لیبرال دمکراسی در سراسر جهان فراهم آید. مسئولیت اجرای این عملیات در ایران را کنت دومارانش رئیس سرویس اطلاعاتی فرانسه بر عهده داشت که در سال ۱۳۵۱ رسماً از سوی شاه ایران به سمت مشاور انتخاب شد. با پیروزی انقلاب اسلامی دمارانش شکست در انقلاب جهانی چهارم را پذیرفت اما در سال ۱۳۶۱ عملیات پشه مالاریا به طور ویژه علیه ایران راه اندازی کرد و توانست موافقت کنگره آمریکا برای ایجاد دو موسسه را بگیرد که بی ثبات سازی سیاسی جمهوری اسلامی را تحت عنوان جنگ های علم در ایران دنبال می کردند. در همین سال دو نشریه کیان و نگاه نو در ایران راه اندازی کردند تا از نگاه خودشان دو نیروی موازی «روشنفکران و فعالان سیاسی» را علیه نظام اسلامی بسیج کنند. با تجمع سکولارها و لائیک ها در این دو پاتوق، ماموریت اصلی آنها ناکارآمد جلوه دادن فقه اسلام در دستور کار قرار گرفت و تا جایی که نارضایتی مردم سبب عدم حضور شان در پای صندوق های رای گردد. نتیجه ای که انتظار داشتند در این انتخابات به بار بنشیند اما حضور حماسی ملت نشان داد که ریشه ناکارآمدی را در نگاه به غرب یافته و در واقع بازنده اصلی انتخابات ۱۴۰۰ را همین سکولارها اعلام کردند.

## **چالش ها و فرصت های پیش رو**

به منظور شناخت هر چه بهتر وظایف نیروهای انقلابی در این مقطع جدید لازم است به چالش ها و فرصت های پیش رو اشاره شود.

### **الف) چالش های امنیتی در محیط پیرامونی**

یکی از پیامدهای مثبت حماسه ملت ایران بی اثر سازی تحریم های اقتصادی است که آمریکا را ناچار به کاهش تحریم ها می نماید. ضمن آنکه دولت جدید آمریکا نیز

طبق شعارها و وعده هایش ناگزیر به لغو یا تعلیق بخشی از تحریم ها می باشد اما این سیاست اعلامی به هیچ وجه به معنای تغییر رویکرد این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران نبوده و همواره تلاش خواهد کرد تا از طرق دیگر مقاصد خویش علیه ملت ایران را دنبال نماید. از جمله رفتارهای دولت جدید آمریکا می توان به ائتلاف سازی منطقه ای در محیط پیرامونی ایران و بی ثبات سازی از درون ادامه دهد که حمایت از گروههای اپوزیسیونی و ضد انقلاب و بازگذاشتن دست کشورهای متخاصم ایران از ابزارهای لازم آن می باشد.

مویادات این دیدگاه عبارتند از:

۱- هرگاه فشارهای مستقیم دولت آمریکا و غرب علیه ایران کاهش پیدا می کند، کشورهای متخاصم منطقه ای تلاش می کنند تا تنش های خشونت آمیز را تدارک کنند و به اصطلاح مانع بهبود روابط ایران و غرب شوند.

۲- در داخل آمریکا نیز لابی های صهیونیست تلاش خواهند تا با اعمال فشارهایی به کاخ سفید، اجازه هر گونه اقدام به این کشور را نداده و کنگره را به سمت رفتارهایی علیه ایران وادار سازند.

۳- بایدن هم توان مقابله با صهیونیست های افراطی را نداشته و اساساً نمی خواهد که مقابل آنها بایستد.

۴- علائمی از افزایش تنش های منطقه ای از سوی رژیم صهیونیستی با همکاری منافقین در تشدید تنش های مرزی بروز کرده که البته نمی تواند در دراز مدت ادامه یابد.

۵- تنش های امنیتی در مرزهای شرقی و ناامنی های داخلی افغانستان در این زمینه می تواند یکی از علائم منطقه ای باشد.

۶- اساساً هرگاه تنش های سیاسی در داخل کشور در سایه همگرایی داخلی کاهش می یابد، فشارهای بیرونی مخالفان کشور افزایش پیدا می کند.

### **(ب) چالش های امنیتی از داخل**

بدون تردید یکی از پیامدهای روی کارآمدن دولت خدوم و انقلابی افزایش امید مردم و کاهش زمینه های نارضایتی اجتماعی می باشد که موجبات ناخوشایندی جریانات معاند و افراطیون سیاسی داخل کشور را به همراه دارد. دلایلی که این دیدگاه را تقویت می کند عبارتند از:

۱- کاهش امید مخالفان نظام به نفوذ و فروپاشی از درون سبب افزایش تحرکات امنیتی آنها شده و همگرایی میان گروههای افراطی را افزایش می دهد.

۲- تصور اینکه دولت انقلابی بتواند کارآمدی نظام را افزایش دهد برای جریان غربگرا و انحرافیونی که خود را تنها منجی کشور معرفی می کنند، کابوس بسیار خطرناکی است. چراکه ملت ایران متوجه خواهند شما که علت بسیاری از مشکلات کشور خود همین مدعیان می باشد. لذا هر گونه اقدام از سوی این جریانات جهت عدم موفقیت دولت انقلابی متصور می باشد.

۳- اعلام پایان اصلاحات صندوق محور توسط سعید حجاریان یکی از علائم این رویکرد از سوی فتنه گران و دعوت رئیس فرقه انحراف از اعتصابات نفتی به مفهوم تلاش این جماعت به رویکردهای افراطی تر است.

۴- در طول تاریخ انقلاب اسلامی همه گروه‌هایی که سیاست تحریم انتخابات را در پیش گرفته اند، پس از ناکامی و احساس شکست به رویکردهای افراطی و خشونت‌زا روی آورده اند.

۵- این جریان‌ها به کمک رسانه‌های استکباری ابتدا تلاش خواهند کرد تا با هجمه و تخریب دولت انقلابی، تصور کارآمدی را در اذهان عمومی کاهش داده و با استفاده از برخی مسائل و مشکلات فراگیر زمینه اعتراضات اجتماعی را فراهم کنند.

## فرصت‌های فرا روی نظام

### الف) فرصت خدمت و اثبات کارآمدی نیروهای انقلابی

یکی از فرصت‌های کم سابقه برای اثبات کارآمدی نظام فراروی نیروهای انقلابی قرار گرفته و این نیروها می‌توانند پس از چهل سال حضور لیبرال‌ها، سکولارها، غرب‌گرایان منفعل، غیرانقلابیون و تفکرات التقاطی بر مسند اجرایی کشور، توانایی خود را در خدمت صادقانه به مردم نشان دهند. موفقیت در این راه سبب بازگشت مردم به نظام، تضمین بقای انقلاب، اثبات توانمندی فقه اسلام در اداره جامعه می‌باشد.

### ب) فرصت اعلام پایان تفکر غربگرایی در ایران

اگر چه سابقه تلاش غربی‌های برای نفوذ در تصمیمات دولت در ایران به بیش از پانصد سال قبل بازمی‌گردد، پیشینه حضور مستقیم غربی‌ها در کشورمان که با تلاش فرهنگی آنها در اثبات توانمندی اروپا همراه بود به دوست سال پیش بازمی‌گردد که از جمله عوارض آن وابسته‌سازی فکری و فرهنگی به غرب می‌باشد. با انقلاب اسلامی حضور مستقیم این تفکر کاهش یافته اما جریان روشنفکران غربگرا هرگز اجازه کم‌رنگ شدن نگاه به بیرون را نداده و اکنون در پایان این راه قرار دارند. اکنون

فرصتی برای اعلام انقضاء تاریخ مصرف نگاه به بیرون فراهم شده که تنها راه آن رشد و تقویت نگاه ما می توانیم و کارآمدی جریان انقلابی است.

### **ج) فرصت برخورد عزتمندانه با غرب و چیدن ثمره های آن**

در سیاست خارجی نیز یک فرصت مغتنم در اختیار جریان انقلابی است. نیروهای انقلابی می توانند به ملت ایران نشان دهند نتایج دیپلماسی عزت مدارانه و مذاکره از موضع اقتدار را نشان دهند تا هم ملت ایران شاهد دستاوردهای این نگاه باشند و هم غریزده ها منفعل نحوه مواجهه با بیگانگان و تامین منافع ملی را بیاموزند.

### **د) فرصت تکثیر و افزایش هسته سخت نظام**

با افزایش امید مردم به نظام اسلامی، فرصت بسیار خوبی برای هسته سخت نظام وجود دارد تا طیف جدیدی از جوانان را جذب بسیج و نهادهای انقلابی نمایند. به هر میزان که بتوان این هسته را به لحاظ کمی از حدود هشت میلیون نفر افزایش داد، ضریب امنیت و بقای انقلاب اسلامی را افزایش می دهد. البته ارتقاء کیفی این هسته نیز همچنان باید در دستور کار باشد.

### **ه) فرصت رفع موانع ساختاری و اشکالات قانونی**

همگرایی میان قوا بویژه یکدستی مجلس و دولت فرصت مطلوبی برای حل ریشه ای برخی از مشکلات کشور من جمله رفع موانع ساختاری و وضع قوانین مورد نیاز می باشد که از جمله این موارد می توان به اصلاح قانون انتخابات، بررسی امکان تغییر نظام ریاستی به پارلمانی، اصلاح قوانین فضای مجازی، رسیدگی به مشکلات فرهنگی و... اشاره کرد.

## **وظایف نیروهای انقلاب**

### **۱- کمک به دولت در حکمرانی صحیح و خدمت صادقانه**

شرایط کنونی نیروهای انقلاب در ایران اسلامی شباهت زیادی با روزهای اولیه پس از پیروزی قیام ملت ایران داشت. در آن مقطع همه انقلابیون برای تثبیت و حفظ پیروزی احساس تکلیف و وظیفه می کردند و هر کدام به طریقی که می توانستند به دولت و مسئولان در اداره بهتر کشور کمک می کردند. این احساس یکبار دیگر پس از ۴۲ سال خودنمایی کرده و باید ادامه یابد تا دولت برآمده از انتخابات خرداد ۱۴۰۰ بتواند از عهده مشکلات انباشته شده کشور برآید. این کمک ها می تواند هم در مقام عمل و هم از بعد نظری و فکری جنبه عملیاتی پیدا کند تا دولت انقلابی از عهده مسئولیت سنگینی که برعهده دارد، از همان ابتدای کار برآید. چراکه دولت فقط شش ماه فرصت دارد تا علائم موفقیت خود در بازگرداندن اعتماد عمومی را روشن سازد.

## ۲- گفتمان سازی جهت اجرای سیاست های دولت خدوم

از جمله اقدامات مثبت نیروهای انقلابی زمینه سازی برای ارتباط با افکار عمومی نسبت به برنامه ها و اقدامات دولت می باشد. چراکه در شرایط فعلی بیشترین تلاش بازندگان انتخابات ۱۴۰۰ در تخریب و تضعیف دولت تمرکز داشته و مانع شکل گیری تصویری کارآمد از دولت در اذهان عمومی خواهند شد. نیروهای انقلابی می توانند ضمن پاسخ به شبهات موجود، در تعامل سازنده با دولت و مردم، هم برنامه های دولت را برای مردم تبیین کرده و هم مطالبات و نظرات عمومی را بگوش دولت مردان برسانند.

## ۳- نظارت بر رفتار دولتمردان و هشدار به دستگاه های متولی

در شرایط کنونی یک از اقدامات بسیار مهم و موثر، نظارت بر حسن انجام امور و بازخوردگیری صحیح از نتیجه فعالیت ها و سیاست هاست. نیروهای انقلابی می توانند

به عنوان ناظر دولت در جامعه نواقص احتمالی را به گوش دولتمردان رسانده و با اصلاح رفتارها متناسب با نیازهای مردم کمک کنند.

#### ۴- شناسایی آسیب ها و مسائل اولویت دار جامعه

یکی از اقدامات مهمی که نیروهای انقلابی در سراسر کشور می توانند برای کمک به مجموعه دولت سامان دهند، شناسایی مشکلات آنی و فوری هر استان و منطقه و اعلام آن به دولت می باشد. نکته مهم در این زمینه ارائه راهکارهای عملیاتی و احصای ظرفیت های محلی متناسب با مشکلات می باشد. رویکرد حل المسائلی نیروهای انقلابی در کمک به دولت می تواند نقش تعیین کننده در کاهش مشکلات مردم داشته باشد.

#### ۴- پاسخ مثبت به درخواست های دولت

بدون تردید دولت بدون کمک مردم امکان مقابله با همه مشکلات را ندارد. چراکه دولت هم با مشکلات موجود مواجه است که اکنون کرونا و کارشکنی های مخالفان را باید بر آنها افزود، هم با مشکلات انباشته شده و هم باید نتیجه بدکارکردهای دست و پنجه نرم کند. ضمن آنکه با مشکلات مستحدثه ای روبروست که کمتر می توان حجم و گستره آن را پیش بینی کرد. لذا نیروهای انقلابی باید با همه توان خویش به درخواست ها و نیازهای دولت من جمله کمک به تعیین اعضای کابینه و روشی که دولت در این زمینه پیش بینی کرده به شکل فعال ورود کنند و هم آمادگی حضور میدانی در همه عرصه ها را داشته باشند.